

فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۵.

سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، دکتر الهه کولایی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

کتاب سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه در نه فصل تدوین شده است. در ابتدای کتاب نویسنده دو مقدمه که یکی مرتبط با کتاب مذکور در اولین چاپ آن می باشد و دیگری مقدمه کتاب در چاپ جدید را آورده اند. در مقدمه ایشان تجزیه و نابودی اتحاد شوروی را برای بسیاری از تحلیل گران، بعنوان نقطه آغاز و شروعی برای شکل گیری ساختارهای جدید در این منطقه یاد می کنند. اهمیت و جایگاه استراتژیکی و ژئوپلیتیکی روسیه این کشور را در پیوندی بدون گریز با جمهوریهای اطرافش قرار داده است. نویسنده در مقدمه سعی می کند تا به بررسی مختصر ولی مفید از نظام سیاسی حاکم در فدراسیون روسیه سخن به میان آورد.

در فصل اول که شامل دو بخش می باشد ابتدا جغرافیایی روسیه مورد بررسی قرار می گیرد. پهناورترین کشور جهان با مساحتی بالغ بر  $17/075/400$  کیلومتر مربع و جمعیتی که بالغ بر  $147/022/000$  نفر می باشد.

در بخش دوم تاریخ کشور روسیه مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. روسیه کهن که شامل دوران نظامهای سیاسی چون دوران کیف، سیطره مغولان، دولت مسکوی و سلسله رومانوف می باشد ابتدا مورد بررسی قرار می گیرد نویسنده پس از پرداختن به جنبش های انقلابی نیمه دوم قرن هیجدهم در روسیه و مبارزاتی که با این امواج انقلابی صورت گرفت انقلابهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ را مورد توجه قرار می دهد. روسیه جدید نیز شامل دورانی است که با حاکمیت بلشویکها آغاز شده و نویسنده در این

قسمت بر جنگ داخلی، کمونیسم جنگی، سیاست نوین اقتصادی، تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نهایتاً بلشویک‌ها و انقلاب جهانی آنها که متأثر از ایده‌های مارکس صورت می‌گرفت می‌پردازد. دوران استالین، خروشچف، پرژنف و دوران یوری اندروپوف و مبارزه با فساد، چرنینکو (تلاش برای بازگشت) و نهایتاً میخائیل گورباچف با اصلاحات مشهور او تحت عنوان پرسترویکا، گلاس نوست، مردمی کردن از دیگر مواردی است که نویسنده در پایان بخش دوم از فصل اول به خوبی و بطور مفصل به آن پرداخته و مسیری را که نهایتاً اتحاد جماهیر شوروی را در معرض فروپاشی قرار داد مورد بررسی قرار می‌دهد ناکامی گورباچف در اجرای برنامه‌های اصلاحاتی خود و شرایط بحرانی حاکم بر نظام سیاسی و اقتصادی روسیه (اتحاد جماهیر شوروی) نهایتاً پس از کودتای اوت ۱۹۹۱ و با منتزع شدن جمهوری‌های شوروی در غالب کشورهای ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، جمهوری قرقیز، مولداوی، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان و اتحاد جماهیر شوروی به عمر خود پایان داد.

در فصل دوم کتاب نویسنده ساختارهای قدرت در دوران اتحاد شوروی و پس از آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این فصل شامل دو بخش می‌باشد: بخش اول به ساختارهای قدرت در دوران اتحاد شوروی و در بخش دوم به ساختارهای قدرت در فدراسیون روسیه اختصاص دارد.

ساختارهای حکومتی در دوران اتحاد شوروی مجموعه‌ای از سلسله مراتب پیچیده بود که علی‌رغم سلطه کامل حزب کمونیست بر آن، ترکیب پیچیده‌ای از نهادهای رقیب برای کسب نفوذ بیشتر را تشکیل می‌داد. مسائلی که در این بخش مورد بررسی نویسنده کتاب قرار می‌گیرد توزیع قدرت در قانون اساسی، ساختار قدرت سیاسی شوروی مرکب از شورای عالی و کنگره نمایندگان خلق، دستگاه دولت، نظامیان و سیاست، دستگاه امنیتی کا.گ.ب، نظام حقوقی، حزب کمونیست در دوران اتحاد شوروی را شامل می‌شوند در واقع نویسنده با نگاهی جامع و عمیق ساختار نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را به تصویر می‌کشد.

در بخش دوم نیز به ساختارهای قدرت در فدراسیون روسیه می‌پردازند. در این دوران پس از برنامه‌های اصلاحاتی گورباچف در قالب گلاس نوست و پرسترویکا "همه قدرت برای شوراه"

مجدداً مطرح گردید و قدرت به تدریج از حزب کمونیست به سوی مجلس که در حال احیاء شدن بود انتقال یافت.

از موارد بسیار مهمی که نویسنده در این قسمت به آنها می‌پردازد بحران قانون اساسی در دوران فدراسیون روسیه، ایجاد نظام قانونی، رفراندوم، سرکوب پارلمان و نقش ارتش، انتخابات پارلمانی و توافق مدنی، پارلمان و سیاستهای جدید و انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۱۹۹۶ می‌باشد که به پیروزی یلتسین برای ریاست جمهوری منجر شد می‌باشد.

در انتهای این بخش نویسنده به دوران ریاست جمهوری پوتین در سال ۲۰۰۰ پرداخته، شخصیتی که انباشتی تجارب موفق اجرایی در دستگاههای سیاسی - اقتصادی روسیه بود و در تقابل با روند "مستعمره شدن روسیه" توسط غرب توانست اعتماد و توجه روزافزون مردم روسیه را جذب نماید.

در فصل سوم ملیت‌ها و مسائل ملی روسیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. رشد ملی‌گرایی در روسیه از دوران گورباچف آغاز شده بود. در طول تاریخ روسیه دولت و ملیت روس همواره از وحدت چشمگیری برخوردار بودند. نویسنده در این فصل ساختار قومیت و ملیتی فدراسیون روسیه را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و با ارائه آمارهای مناسبی این ترکیب ملیتی روسیه را به تصویر می‌کشد. سیاست ملی در روسیه، فدرالیسم جدید در روسیه، روس‌ها در "خارج نزدیک"، سیاست‌های مسکو در قبال روس‌های خارج از روسیه، عوامل داخلی سیاست‌های ملی در روسیه و دیگر برنامه‌های فدراسیون روسیه در جهت تقویت ملی‌گرایی و نگرش‌های حاکم در دستگاه سیاسی روسیه مبنی بر گرایش به غرب یا دوری از غرب از دیگر مواردی است که نویسنده در این فصل از کتاب خود به آن می‌پردازد.

در فصل چهارم کتاب که به جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع اختصاص دارد نویسنده پس از توضیح در رابطه با شکل‌گیری جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی به نحوه شکل‌گیری جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع و منشور و نهادهای جامعه مذکور می‌پردازد. منشوری که توسط هفت عضو اصلی جامعه مشترک المنافع در اجلاس مینسک در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۳ به امضاء رسید و با مرور زمان اعضای آن افزایش یافتند.

روابط روسیه و جمهوری‌های دیگر آن یعنی بالتیک، اوکراین، روسیه سفید و مولداوی و قفقاز که مجموعه‌ای از کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و همچنین آسیای مرکزی که شامل قزاقستان، جمهوری قرقیز، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان می‌باشد نیز توسط نویسنده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل پنجم به تحول در ساختارهای سیاسی اختصاص یافته است. نویسنده به نحوه شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک در فدراسیون روسیه می‌پردازد و علت تاخیر و کندگی در مسیر ایجاد نهادهای دموکراتیک را در فدراسیون روسیه نسبت دیربای اقتدارگرایی و استبداد در روسیه بیان می‌کند. اختیارات قوای سه‌گانه در نظام سیاسی فدراسیون روسیه، احزاب و گروه‌های سیاسی در این فدراسیون، اجرای گلاس‌نوست و ظهور احزاب جدید در فدراسیون روسیه، حزب کمونیست و تلاش برای احیای آن، گروه‌های افراطی راست در روسیه، جناح‌های اصلی در دومای کشوری و نخبگان جدید در روسیه از دیگر مواردی است که نویسنده در این فصل به خوبی به آن می‌پردازد.

در فصل ششم کتاب سیاست‌های اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی و دوران پس از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. از اواخر دهه ۱۹۷۰ مشکلات سیاسی - اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی ابعاد گسترده‌تری پیدا نمود. تغییرات اجتماعی و جمعیتی از نیمه دهه ۱۹۵۰ تا نیمه دهه ۸۰ در جامعه اتحاد شوروی دگرگونی‌های جدی را ایجاد نمود. و پس از فروپاشی ما شاهد تحول در ساختارهای اجتماعی شوروی می‌باشیم و تخریب فزاینده نظام پیشین ضرورت ایجاد نظام جدید را مطرح می‌ساخت. مسائل زنان، جوانان، رفاه و تأمین اجتماعی، جرم و جنایت، وسایل ارتباط جمعی، بهداشت، فرهنگ و فرهنگ سیاسی، مذهب و نهادهای مذهبی همچون کلیسا و مسیحیت، اسلام و نهادهای آن از جمله عرصه‌هایی است که در نظام اجتماعی فدراسیون روسیه در این فصل از کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در فصل هفتم نویسنده بازسازی اقتصادی اتحاد شوروی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اقتصادی که در سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ دچار نابسامانی‌های جدی گردید و با فروپاشی شوروی روابط اقتصادی در میان جمهوری‌های عضو اتحاد شوروی به نوبه خود بر وخامت اوضاع در آغاز

دهه ۱۹۹۰ افزود. نویسنده در این فصل به پیشینه شکل‌گیری دشواریهای اقتصادی کنونی در روسیه، دوران بازسازی اقتصادی روسیه پایان اصلاحات سریع، خصوصی‌سازی و سیاست صنعتی، وضعیت کشاورزی کشور و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اقتصاد روسیه، دگرگونی ساختاری در اقتصاد مناطق، ارزیابی اصلاحات اقتصادی، تحول در مجتمع صنعتی - نظامی روسیه، جایگاه نفت در اقتصاد روسیه اشاره نموده و در پایان به اصلاحات دوران ریاست جمهوری پوتین و بهبود شرایط اقتصادی در آن زمان می‌پردازد.

فصل هشتم سیاست خارجی روسیه را در برمی‌گیرد. نویسنده در نگاهی عمیق به تحولاتی که در سیاست خارجی این کشور از دوران اتحاد شوروی تا شکل‌گیری فدراسیون روسیه رخ داده می‌پردازد. نفوذ غرب‌گرایان در سیاست خارجی روسیه و حاکمیت دیدگاه پریماکوفی در سیاست خارجی، این کشور را به همکاری با غرب خاصه ایالات متحده آمریکا تشویق و ترغیب می‌کرد اما با ظهور مجدد، اندیشه اسلام‌گرایان در روسیه، ملی‌گرایی در روسیه به واسطه ضرورت احیای قدرت جهانی روسیه و تحول در سیاست خارجی غرب‌گرای کوزیروف ضرورت پیدا نمود. در اندیشه جدیدتری تحت عنوان اوراسیاگرایی نویسنده به ظهور جریان دیگری در سیاست خارجی روسیه اشاره می‌کند که با چرخشی جدید در سیاست خارجی معتقد است ویژگیهای ژئوپلیتیکی روسیه و میراث تاریخی آن، نقش متمایزی را برای روسیه ایجاد کرده است. گروه اوراسیاگرایان با تأکید بر میراث تاریخی روسیه و هویت ملی آن، ضرورت تأکید جدی بر حفظ منافع قوم روس را مورد توجه قرار می‌دهند. در ادامه، نویسنده به ژئوپلیتیک جدید روسیه و زمینه‌های اختلاف روسیه با غرب می‌پردازد. مواردی چون توسعه ناتو به سوی شرق، پیمان نیروهای متعارف در اروپا، مداخله نظامی در چین، مباحث پیرامون کنترل تسلیحات روسیه و "خارج نزدیک" و همکاری هسته‌ای با ایران. شکست دیپلماسی کوزیرف، روابط خارجی روسیه با کشورهای جهان، چالش‌های پیش‌روی پوتین، مسایل دریای خزر و ایران و روسیه در دوران پوتین از موارد مهم و حساسی است که نویسنده در انتهای فصل به بررسی آنها می‌پردازد.

فصل نهم که به مسایل امنیتی و نظامی روسیه می‌پردازد از اهمیتی خاص برخوردار است که

نویسنده در چاپ جدید کتاب خود آن را اضافه نموده است. در مقدمه فصل نویسنده به جایگاه نیروهای نظامی در نظام سیاسی اتحاد شوروی می‌پردازد و به وضعیت ارتش در سالهای پایانی اتحاد شوروی می‌پردازد. اجرای سیاست بازسازی اقتصادی در دوران اتحاد شوروی گورباچف باعث کاهش هزینه‌های نظامی و در نتیجه عدم رضایت نیروهای نظامی شده بود. اما پس از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری ارتش کشورهای مستقل مشترک المنافع کنترل واحد تسلیحات هسته‌ای مورد توافق یازده جمهوری قرار گرفت. در این دوران ما شاهد پیمانهای نظامی تحت عناوین استارت ۱ و ۲ و دیگر توافق‌های نظامی بین روسیه و ایالات متحده آمریکا هستیم.

شکل‌گیری ارتش روسیه، آیین نظامی روسیه، ساختار فرماندهی و کنترل نیروها، نیروهای حافظ صلح روسیه و اقتصاد دفاعی روسیه از دیگر مواردی است که نویسنده در فصل پایانی کتاب مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده از افزایش بهای نفت بعنوان فرصت مناسبی جهت بازسازی دفاعی روسیه یاد می‌کند و صدور سلاحهای گوناگون برای تأمین نیازهای صنایع دفاعی روسیه را دارای اهمیت ویژه‌ای می‌داند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی